

بررسی تصحیح *عبرالعاشقین* (کربن - معین)

از نگاه بایسته‌های تصحیح

سید محمد راستگوفر*

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

تقی پورنامداریان

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سید محمدفرید راستگوفر

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

(از ص ۴۱ تا ۶۰)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۶/۲۰، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۲۳

چکیده

عبرالعاشقین نوشته روزبهان بقلی، عارف بزرگ سده ششم، یکی از مهم‌ترین آثار عرفانی فارسی است که از نگاه آموزه‌های عرفانی و نثر فارسی جایگاه شایانی دارد. این کتاب در سال ۱۳۳۷ به همت هانری کربن و محمد معین، بر پایه دو نسخه ناقص و پرغلط تصحیح و منتشر شد و با وجود تصحیح دیگری به کوشش جواد نوربخش، تا امروز همین تصحیح مورد توجه پژوهشگران بوده و بیشتر کارهایی که بر بنیاد این کتاب انجام گرفته، بر پایه همین تصحیح بوده است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این تصحیح در چه پایه و مایه‌ای است و صحت و اعتبار آن چه اندازه است؟ بدین منظور، به شیوه تحلیلی و توصیفی و بر بنیاد بایستگی‌های تصحیح خوب، این تصحیح را بررسی کرده و با مقایسه آن با نسخه تازه‌ای که در دسترس مصححان نبوده است، به این نتیجه رسیده‌ایم که این تصحیح با همه کوشش‌های مصححان، به دلیل نبود نسخه‌های صحیح و بدخوانی‌های فراوان، دستخوش افتادگی‌های بسیار، افزودگی‌های نابه‌جا، کژخوانی‌های فراوان و ... است و نیز فقدان تعلیقات و توضیحاتی برای حل دشواری‌ها، ذکر نکردن منابع اقوال و اشعار منقول در متن و نداشتن فهرست‌های کارگشا، از جمله ایرادها و کمبودهای دیگری است که تصحیح علمی تازه‌ای از این متن مهم را ضروری می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: تصحیح، نسخه خطی، روزبهان بقلی، کربن، معین، *عبرالعاشقین*.

۱. مقدمه

امروزه کمتر کسی از اهل دانش و بینش یافت می‌شود که در ضرورت تصحیح علمی و انتقادی متون گذشته، تردیدی داشته باشد؛ متونی که گران‌بهاترین میراث فرهنگی هر ملت‌اند و شناخت تاریخ و فرهنگ و ادب ملت‌ها، بیش از هر چیز بدان‌ها وابسته است. این نیز روشن است که بهره‌گیری از هر متنی در تحقیقات گوناگون تاریخی، فرهنگی و ... اگر بر پایه‌ی متنی مغلوط و ناپیراسته باشد، نه تنها بدان تحقیقات اعتمادی نخواهد بود، بلکه خطاهای گوناگون و پنداشت و برداشت‌های ناروای بسیاری نیز در پی خواهد داشت و همین‌ها، ضرورت تصحیح درست و علمی متون گذشته را بیشتر نشان می‌دهد تا هم از متن، صورت پیراسته و قابل‌اعتمادی به دست‌آید و هم راه ورود خطا به تحقیقات بعدی بسته شود.

برای فراهم‌آمدن تصحیح خوب و شایسته از متن، جز توانایی و احاطه‌ی علمی مصحح و به‌کارگیری شیوه‌های درست تصحیح، دردسترس‌بودن نسخه‌های خوب و درست از متن نیز ضروری است، وگرنه کوشش‌های مصحح هراندازه هم شایستگی داشته باشد، محصول خوبی نخواهد داشت. و همین است راز نیاز به تصحیح دوباره و چندباره‌ی متونی که پیش‌تر به دست مصححان شایسته انجام شده است. با این توصیف، تصحیح دوباره‌ی متونی که به دست مصححان نااهل به جای تصحیح، تغلیط شده‌اند، ضرورتی دوچندان می‌یابد.

یکی از آثاری که پیش‌تر به دست دو مصحح توانا، هانری کربن و محمد معین، بر پایه‌ی دو نسخه‌ی ناقص و مغلوط تصحیح شده و اشکالات بسیار و گوناگونی بدان راه یافته است، عبهرالعاشقین نوشته‌ی شیخ شطّاح، روزبهان بقلی شیرازی است.

روزبهان بقلی شیرازی (۵۲۲-۶۰۶ هـ.ق) از بزرگ‌ترین، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عرفای قرن ششم است که به‌واسطه‌ی کثرت وجد و جذبات و همچنین شرح بر شطحیات عرفا، به «شیخ شطّاح» و «شطّاح فارس» شهره است و او را سلطان عارفان، برهان عالمان، قدوة‌ی عاشقان و سرور ابدال خوانده‌اند (حسینی، ۱۳۸۲: ۴۲). این عارف بزرگ تألیفات بسیاری از خود برجای گذاشته است که طیف کاملی از عرفان صوفیانه را دربرمی‌گیرد؛ از تفسیر قرآن تا فقه اسلامی، خداشناسی، فلسفه‌ی مابعدالطبیعه و شعر (ارنست، ۱۳۷۷: ۱۰).

شگفتا که روزبهان هرچند در زمان خود و یکی دو قرن بعد از آن، شهرت بسیاری داشته است، کم‌کم دچار بی‌توجهی و فراموشی می‌شود و آن‌چنان‌که شایسته‌ی او و آثار

مهم اوست، مورد توجه و تحقیق عرفان‌پژوهان قرار نمی‌گیرد که به احتمال فراوان، زبان دیرپاب و پیچیده و بیان استعاری-انتزاعی وی، یکی از دلایل اصلی این بی‌توجهی است. نخستین مرحله کشف روزبهان را پس از قرن‌ها فراموشی، در ۱۹۱۳ لویی ماسینیون در رساله‌ای درباره کتاب *الطواسین* حلاج انجام داد. پس از آن، کشف مقبره روزبهان توسط ایوانف و مقاله‌ای در شرح زندگی روزبهان در ۱۹۵۳ به کوشش ماسینیون، گام‌های دیگری بودند که در شناخت و شناسایی روزبهان برداشته شدند. سپس هانری کربن به توصیه ماسینیون به صورت جدی و پی‌گیر به تحقیق درباره او و تصحیح آثار فارسی وی، یعنی *عبرالعاشقین* و *شرح شطحیات* پرداخت (بیات، ۱۳۷۸: ۳۹) و بدین-ترتیب، راه برای پژوهش‌های بعدی گشوده شد.

عبرالعاشقین یکی از آثار عرفانی مهم و درخور توجه قرن ششم است که علاوه بر اهمیت و جایگاه ویژه‌ای که از نظر نثر شاعرانه و سبک خاص روزبهان در تاریخ نثر فارسی دارد، یکی از نخستین کتاب‌ها به زبان فارسی است که به صورت ویژه درباره عشق صوفیانه و جمال‌پرستی نوشته شده است و این ویژگی اهمیت آن را بیشتر می‌کند. روزبهان این کتاب را به دنبال واقعه‌ای روحانی به رشته تحریر درمی‌آورد که طی آن، با معشوق آسمانی خود دیدار می‌کند که همان «جمال قدم» است و در پی آن، در ۳۲ فصل در تشریح عشق انسانی و ربّانی داد سخن می‌دهد و بیان می‌کند که طی مکاشفات و سیر در عالم بالا به دیدار حق نائل شده است.

این اثر مهم را نخستین بار هانری کربن و محمد معین تصحیح و با مقدمه‌ای نسبتاً مفصل و کامل (نسبت به منابع موجود در زمان تصحیح)، در سال ۱۹۵۸ توسط انستیتوی ایران و فرانسه منتشر کردند. سپس در سال ۱۹۷۱ جواد نوربخش بر پایه دو نسخه بهتر و کامل‌تر، تصحیح دیگری از آن به دست داد. با اینکه این تصحیح دوم برخی اشکالات تصحیح پیشین را دفع و رفع می‌کند، به دلیل شهرت علمی و احاطه و تخصص مصححان پیشین، همچنین نداشتن مقدمه کامل و کافی، فقدان تعلیقات و فهرست‌های کاربردی، و مهم‌تر از همه، انتقادی و روشمندنویسی تصحیح و عدم ذکر نسخه‌بدل‌ها به صورت کامل، مورد توجه قرار نگرفت و تا به امروز، تقریباً در اکثر تحقیقات و مقالات و کتاب‌های مربوط به روزبهان و *عبرالعاشقین*، تصحیح نخست این کتاب، یعنی تصحیح کربن-معین مورد استفاده و استناد قرار گرفته است. به همین دلیل، ما در این گفتار همین تصحیح کربن و معین را از نگاه بایسته‌های تصحیحی و به شیوه تحلیلی-توصیفی بررسی

کرده و کوشیده‌ایم به این پرسش پاسخ دهیم که این تصحیح در چه پایه و مایه‌ای است و چه ایراد و اشکال‌هایی بدان راه یافته است؟

برخلاف شرح *شطحیات* که برای رفع مشکلات متن آن چندین مقاله نوشته شده و تصحیح تازه‌ای نیز از آن صورت گرفته است،^۱ درباره *عبرالعاشقین* به جز دو تصحیح مذکور، تا جایی که بررسی شد، تلاشی در راستای تصحیح متن یا عبارات مبهم آن صورت نگرفته است و همه مقالاتی که درباره آن نوشته شده؛ یا درباره سبک، زبان و صور خیال آن است یا درباره مفاهیم عرفانی آن. در این مقالات نیز عبارات بسیاری از همین تصحیح نقل شده است؛ بی‌آنکه به ابهام یا نادرستی آنها توجه شود یا گامی در راه اصلاح آنها برداشته شود؛ لذا این گفتار نخستین پژوهشی است که بدین مهم پرداخته و کوشیده است تا این تصحیح را از نگاه بایسته‌های تصحیح بررسی کند و ایراد و اشکال‌های آن را بازنماید.^۲

۲. نسخه‌ها و دست‌نوشته‌های *عبرالعاشقین*

از آنجاکه بسیاری از اشکالات تصحیح کربن- معین، برخاسته از نسخه‌های مورد استفاده مصححان بوده و رفع آنها به یاری نسخه‌هایی که آنان در دسترس نداشته‌اند و در این بیش از نیم‌قرن که از تصحیح آنان می‌گذرد، به کوشش محققان، نسخه‌پژوهان و فهرست‌نگاران، شناسایی شده‌اند و در دسترس ما هستند، جا دارد در اینجا معرفی کوتاهی از آنها به دست‌داده شود. در ادامه تمام نسخه‌هایی که با عنوان *نسخه عبرالعاشقین* در فهرست‌های نسخ خطی ثبت شده‌اند، ذکر می‌شود؛ با ذکر این نکته که بعضی از عناوین ثبت‌شده تصویر یا میکروفیلمی از نسخه دیگر است. اینک آن نسخه‌ها به ترتیب تاریخ کتابت و رمز حروف لاتین در جدول زیر می‌آید:

(A)	نسخه کتابخانه خانقاه نعمت‌اللهی، تهران، شوال ۸۱۷ هـ ق- جمادی‌الاولی ۸۲۲ به قطع ۱×۲۰ و به خط اسعد بن احمد بن محمد الکاتب، کتابت آن شوال ۸۱۷ هجری شروع شده و پایان آن جمادی‌الاولی ۸۲۲ است؛ این نسخه مجموعه‌ای شامل چندین رساله است که کتاب <i>عبرالعاشقین</i> در حاشیه آن نگاشته شده و شامل ۱۱۸ صفحه و شروع آن از صفحه ۲۷۸ است (بقلی شیرازی، ۱۳۸۰: م ۷)
(B)	نسخه ایاصوفیه: شماره ۱۹۵۹؛ ۱۰۸ ورق، هر ورق ۱۵ سطر و بدون تاریخ، به قطع ۱۸×۱۰،۵، تعلیق، صفحه محصور به دو مربع مستطیل.
(C)	نسخه کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۳۷۴-ف به خط نستعلیق، بی‌تا و ۱۰۹ برگ. این نسخه که

	با شماره ف ۱۴۱-۱ در فهرست میکروفیلم‌ها ثبت شده. در واقع تصویر همان نسخه کتابخانه ایاصوفیه=B است.
(D)	نسخه موزه عزت قویون اوغلی قونیه، به شماره ۱۳۳۵۰، ورق‌های ۱۲۱ب-۲۲۲ب؛ به خط نستعلیق حاجی ابن محمد ابن زین‌الدین محمد الخراسانی، مورخ رمضان ۹۹۷.
(E)	نسخه متعلق به کتابخانه و مجموعه دکتر خاوری، شماره ۱۲۰۲، متعلق به قرن (درایتی، ۱۳۸۹: ۴۲۳). به قطع ۱۶×۱۵ و هر صفحه شامل ۱۹ سطر، به خط نسخ. این نسخه در مجموعه‌ای با کتاب غایت‌الامکان محمود اشنوی گرد آمده که از صفحه ۱ تا ۱۶ به غایت‌الامکان و از صفحه ۱۶ تا ۵۳ به عبهرالعاشقین اختصاص یافته است.
(F)	نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۲۸۷۱۰۳، به خط نستعلیق و مورخ ۱۲۰۸. این نسخه رساله سوم از مجموعه‌ای به نام رسائل نجم‌الدین کبری است که از برگ ۳۳ تا ۸۰ را شامل می‌شود و هر صفحه دارای ۲۰ سطر است.
(G)	نسخه کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۴۰۹۷، مورخ ۸ جمادی‌الاول ۱۲۴۳ دارای ۷۷ برگ. به خط شکسته نستعلیق عبدالله بن حسن تفرشی، مورخ ۸ جمادی‌الاول ۱۳۴۳؛ دارای ۷۷ برگ، به قطع ۱۸×۱۱، هر صفحه دارای ۱۲ سطر در قطع ۶×۱۴ است. برگ‌های نسخه آسیب دیده، ولی به متن آسیبی وارد نشده است.
(H)	نسخه کتابخانه و موزه ملک به شماره ۳۹۷۱۰۴، مورخ ۱۳ شعبان ۱۲۸۶. این نسخه در مجموعه‌ای شامل چهار رساله و ۲۱۳ برگ ۱۶ سطری است. عبهرالعاشقین رساله سوم است که از برگ ۸۹ شروع می‌شود و تا ۲۰۴ ادامه دارد و در ۱۳ شعبان ۱۲۸۶ کتابت شده است.
(I)	نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۳۹۷۱۰۴، مورخ ۱۲۸۶/ق/۱۸۶۸م.
(J)	نسخه غنی، به قطع ۱۶×۹،۴ (سطح مکتوب ۲/۱۱ × ۵)، به خط نستعلیق، ۷۰ ورق، هر صفحه ۱۴ سطر، بدون تاریخ؛ کلمه فصل و نمره‌گذاری با جوهر قرمز، یادداشت‌هایی در حواشی دارد، مهر مالک نسخه در وسط صفحه آخر منقوش است، باتوجه به مهر مالک، تاریخ نسخه قبل از ۱۱۴۴ است. با اطلاعاتی که معین از این نسخه داده و تطابق آنها با نسخه مجلس (I)، به احتمال بسیار نسخه مجلس نیز همین نسخه است.
(K)	کتابخانه مجلس به شماره ثبت ۸۹۴۹۶، در مجموعه‌ای با نام رسائل فلسفی ابن سینا (فقط فصل دوم).

از این نسخه‌ها که اینک در دسترس ماست، تنها دو نسخه در دسترس مصححان بوده است: نسخه (C) که هرچند کامل است، تصحیفات و افتادگی‌های بسیار دارد و بیشتر اشکالات آن به تصحیح راه یافته است؛^۲ و دیگر نسخه (J) که تنها سه‌چهارم پایانی متن را شامل می‌شود و ربع نخست را ندارد. نسخه (C) تصویر نسخه (B) است و به همین دلیل به اصل نسخه ارجاع داده‌ایم.

۳. اشکالات و اشتباهات راه‌یافته به تصحیح کربن - معین

بی‌گمان مصححان در آماده‌سازی و چاپ متن مهم و دشوارخوانی چون *عبرالعاشقین* رنج بسیار برده و کاری بزرگ کرده‌اند؛ با این همه، از آن روی که دست‌نوشته‌های مورد استفاده آنان ناقص و مغلوط بوده است و به دست‌نوشته‌های کامل‌تر و درست‌تری که اینک موجودند، دسترسی نداشته‌اند، با همه کوشش‌هایی که کرده‌اند، نتوانسته‌اند حق متنی چنین را به‌درستی بگزارند و ناگزیر کاری که به دست داده‌اند، پر از اشکالات گوناگونی است که بر دشواری متن که خود، به دلیل ذهن و زبان پیچیده روزبهران متنی دشوارخوان و دیریاب است، بسی افزوده‌اند و بر پژوهش‌هایی که بر بنیاد این تصحیح انجام گرفته است، نیز اثر گذاشته‌اند. اینک نمونه‌هایی از این اشکالات را که تصحیحی تازه از این متن مهم را ضروری ساخته است، در چند بخش مجزاً می‌آوریم:

۱. افتادگی‌هایی که از راه نقص نسخه‌ها به متن راه یافته؛
۲. افزوده‌های نابه‌جایی که از سوی مصححان افزوده شده؛
۳. خطاهایی که از راه کج‌خوانی مصححان به متن راه یافته؛
۴. خطاهایی که از راه مغلوط‌بودن نسخه‌های مورد استفاده به متن راه یافته؛
۵. علامت‌گذاری و حرکت‌گذاری نابه‌جا و چیدمان نادرست عبارات و پاراگراف‌ها؛
۶. نبود تعلیقات روشن‌گر و فهرست‌های کارگشا.

۳-۱. افتادگی‌های ناشی از نقص نسخه‌ها

یکی از آفت‌هایی که همه دست‌نوشته‌ها کم‌وبیش بدان دچارند، افتادگی عمدی یا سهوی یک یا چند واژه یا جمله یا سطر است که متن را ناقص، دشوار یا بی‌معنی می‌سازد (مایل هروی، ۱۳۷۹: ۲۳۷) و یکی از کارهای اصلی مصحح همین است که این افتادگی‌ها را با بررسی نسخه‌ها یا منابع نویسنده یا ... شناسایی کند و در جای خود بیاورد. بررسی متن چاپی *عبرالعاشقین* و مقایسه آن با دست‌نوشته‌های تازه‌یاب، افتادگی‌های بسیاری را در نسخه‌های مورد استفاده مصححان و در متن چاپی ایشان نشان می‌دهد. این افتادگی‌ها دشواری متن را که خود نیز متنی دشوار و دیریاب است، در مواردی مضاعف ساخته و گاه فهم عبارت را ناممکن کرده است؛ دشواری‌هایی که بسیاری از آنها با دست‌نوشته‌های تازه‌یابی که آن افتادگی‌ها را ندارند، از میان می‌روند. در ادامه نمونه‌هایی از افتادگی‌ها بدین شرح آورده می‌شوند: نخست افتادگی‌های یک یا چند واژه‌ای و سپس افتادگی‌های عبارتی و سطری.

۳-۱-۱. افتادگی‌های یک یا چندواژه‌ای

در جدول زیر در ستون نخست، عبارت‌هایی از متن چاپی آمده است که همه به دلیل افتادگی، ناقص و آسیب‌دیده‌اند و معنی درستی نمی‌پذیرند؛ در ستون دوم، افتادگی‌ها را از نسخه‌های دیگر نشان داده و در ستون سوم عبارت درست و تصحیح تازه را آورده‌ایم:

متن چاپی	افتادگی‌ها	تصحیح تازه
به مدارج و معارف توحید و تفرید و تجرید سوی عالم ازل رفته و لباس قدم یافتیم (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۴).	تمام نسخه‌ها به جز (B): رفته و + حق را به.	به مدارج و معارف توحید و تفرید و تجرید سوی عالم ازل رفته و <u>حق را به لباس قدم یافتیم.</u>
عقل در حسن صنایع قدم طلب می‌کرد (همان: ۵).	تمام نسخه‌ها به جز (B): حسن + صنایع، قدم: قدیم را.	عقل در <u>حسن صنایع، صنایع قدیم را طلب می‌کرد.</u>
جتی لعبتی دیدم که به حسن و جمال جهانیان را در عشق می‌داد (همان: ۶).	تمام نسخه‌ها به جز (B): در عشق + عشوه.	جتی <u>لعبتی دیدم که به حسن و جمال جهانیان را در عشق عشوه می‌داد.</u>
و آتش شهوات از صرصر انفاس خمود یافته باشد (همان: ۱۶).	تمام نسخه‌ها به جز (B): انفاس + پیری.	و آتش شهوات از <u>صرصر انفاس پیری، خمود یافته باشد.</u>
از دفتر انبیا برخوان تا بدانی که در عشق این نظر نیست (همان: ۱۱).	تمام نسخه‌ها به جز (B): این نظر + خطر.	از دفتر انبیا <u>برخوان تا بدانی که در عشق این نظر، خطر نیست.</u>
باز قهر عشق امر ربانی به چنگل جذب محبت به جهان مشاهده برد (همان: ۱۸).	تمام نسخه‌ها به جز (B): محبت + جان جان را.	باز <u>قهر عشق امر ربانی به چنگل جذب محبت، جان جان را به جهان مشاهده برد.</u>
در این جهان نشان آن جهان آمد که لجه بحر عمیق قدم از راه عدم در میان آمده (همان: ۲۰).	تمام نسخه‌ها به جز (B): که + موج، قدم + بود که.	در این جهان نشان آن جهان آمد که <u>لجه بحر عمیق قدم بود که از راه عدم در میان آمده.</u>
فضیلت تو از شواهد اخبار و آیات و عقلیات. گرت ... (همان: ۲۲).	تمام نسخه‌ها به جز (B): فضیلت + عشق، عقلیات + گفتم.	<u>فضیلت عشق تو از شواهد اخبار و آیات و عقلیات گفتم. گرت ...</u>
چون تعفف در امتحان عشق از مهلکه طبیعت است (همان: ۲۵).	تمام نسخه‌ها به جز (B): چون + به.	<u>چون به تعفف در امتحان عشق از مهلکه طبیعت رست.</u>
معشوق بدین صفات از حق؛ زیرا که شمس جلالی از کوه ازلی به روی خویش بر می‌آید (همان: ۲۵).	تمام نسخه‌ها به جز (B): قبل از معشوق «+ جان»، از حق + ممتن شد.	<u>جان معشوق بدین صفات از حق ممتن شد؛ زیرا که شمس جلالی از کوه ازلی به روی خویش بر می‌آید.</u>
چون از حال مکاشفه التباسی خبر داد و پیدا کرد محبت است (همان: ۳۱).	تمام نسخه‌ها به جز (B): پیدا کرد + که حسن داعیه.	چون از حال <u>مکاشفه التباسی خبر داد و پیدا کرد که حسن، داعیه محبت است.</u>
هرکه را و هرچه را که از آن نوری دادند (همان: ۳۴).	تمام نسخه‌ها به جز (B): نور + پرتویی.	هرکه را و هرچه را <u>از آن نور پرتویی دادند.</u>

۳-۱-۲. افتادگی‌های گسترده و چندسطری

جز افتادگی‌های یکی دو کلمه‌ای، در موارد بسیاری، افتادگی‌های یک یا چند جمله‌ای و حتی یک یا چندسطری نیز به متن راه یافته و نقص و آسیب جدی به متن زده است. این‌گونه افتادگی‌ها بیشتر از این‌روی پیش می‌آید که گاه واژه‌ای یکسان در دو سطر پیاپی یا ناپیاپی تکرار می‌شود و کاتب با خطای دید نگاهش به جای کلمه‌ای در سطر بالا، به همان کلمه در سطر پائین‌تر می‌افتد و نادانسته یک یا چند سطر را از قلم می‌اندازد؛ نمونه‌ها:

- پس از عبارت «از روی زهد، پرده شرم برگرفتم و به زبان لال او را می‌گفتم:

برتر از جوهری و از عرضی	جمله کاینات را غرضی
عرش و فرشت سرای و بارگه است	آفرینش تو را چو کارگه است»
	(همان: ۶)

پیش از بیت‌ها، سطرهای زیر که در همه دست‌نوشته‌های دیگر آمده است، از نسخه (B) و در پی، از متن چاپی افتاده است:

«ای ایزدت سرشته ز نور	و ای ز عکس رخ تو دیو چو حور
ای زمان از تو عید و آدینه	و ای زمین از رخ تو آینه

ناگاه به رعنائی بر من التفات کرد و گفت: آه توبه بشکستی و در صومعه در بستی، از سر و له این خسته دل گفت: در پنهان‌خانه ازل چون تو عروسی گم کرده بودم که سرمایه کونین و پیرایه عالمین بود در این ویرانه، نه از راه تناسخ بل که از راه تجلی فعل باز یافتم و گفتم» (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۶).

به گمان بسیار، تکرار واژه «گفتم» در پیش و پس سطرهای افتاده، به‌ویژه که پس از هر دو «گفتم» دو بیت شعر آمده، زمینه شده تا به خطا چشم کاتب (B) از «گفتم» نخست به «گفتم» دوم بغلطد و سطرهای میان آنها نانوشته بماند.

- پس از عبارت «آلا بعضی از خواص اهل توحید که مشاهده کل بی مشاهده حدثان به جان ایشان درآید، و آن از نادرات غیب باشد.» (همان: ۱۷)، عبارت زیر که در همه دست‌نوشته‌های دیگر آمده است، از نسخه (B) و در پی، از متن چاپی افتاده است:

«و این عشق تا نپنداری که از نتیجه طبع مذموم است، بلکه».

- در عبارت «چون در این عالم آمدند، بدان چشم یک‌دیگر را باز بینند. از غلبه اهلیت و صفاء صفت و تعریف عقل کل و قرابت جان با جان یک‌دیگر باز بینند» (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۲۴) پیش از «یک‌دیگر باز بینند»، این عبارت که در همه دست‌نوشته‌های دیگر

آمده است، از نسخه (B) و در پی، از متن چاپی افتاده است: «در زجاجه قبه صورت از روزنه جان به چشم معارف در جان».

- در عبارت «چون جمالش از آن جمال بود و بعد صفاتنا الخالق سبحانه و تعالی عن تغیر الزمان و عن الحلول فی المکان و الحدثان، عاشق آن جمال آمد.» (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۲۹)، عبارت «و نور صفات با خلق و خلُقش از عین آن کمال بود حق» که در دیگر نسخه‌ها آمده است، از نسخه (B) و در پی، از متن چاپی افتاده است و به جای آن «بعد صفاتنا الخالق» آمده است.

- در عبارت «از بدایت فطرت، حُسن برگزید شاهدان حق، و با معدن اصلی برند که از جنت فردوس اعلی و جنت المأوی، و شجره طوبی، و سدرة المنتهی، شعشه می‌زند.» (همان: ۳۰)، میان «از جنت» و «فردوس اعلی» این عبارت که در همه دست‌نوشته‌های دیگر آمده است، از نسخه (B) و در پی، از متن چاپی افتاده است: «فردوس است و آدم^(ع) از کارخانه حسن آورده‌اند، آنکه به لباس حسن مستحسن شد، در جمال او نور فردوس».

پیداست که تکرار واژه «فردوس» در دو سطر متن اصلی که چنین بوده است: «از بدایت فطرت، حُسن بگیرند شاهدان حق، و با معدن اصلی برند، که آن جنت فردوس است و آدم علیه السلام از (آن) کارخانه حسن آورده‌اند، آنکه به لباس حُسن مستحسن شد، در جمال او نور فردوس اعلی و جنة المأوی، و شجره طوبی، و سدرة المنتهی، شعشه می‌زند.»، زمینه شده است تا چشم کاتب نسخه (B) به جای فردوس نخست، به فردوس دوم بغلطد و ناخواسته عبارات میان دو فردوس از قلم بیفتد.

- در عبارت: «چون جمال قدم در شاهد حسن به جانش رسید.» (همان: ۳۲)، پس از «شاهد حسن» این عبارت که در همه دست‌نوشته‌های دیگر آمده است، از نسخه (B) و در پی، از متن چاپی افتاده است: «مر جان عاشقش تجلی داد، حلاوت جمال حق در شاهد حسن».

در اینجا نیز پیداست که تکرار «شاهد حسن» در متن اصلی که چنین بوده است: «چون جمال قدم در شاهد حسن مر جان عاشقش تجلی داد، حلاوت جمال حق در شاهد حسن به جانش رسید از غلبه محبتش رؤیت محبت صرف پدید آمد.»، زمینه خطای دید کاتب (B) شده و عبارات میان دو «شاهد حسن» از قلم افتاده است.

۲-۳. افزوده‌های نابه‌جای مصححان

از شیوه‌های شناخته و شایع فن تصحیح، یکی نیز افزودن واژه‌هایی در میان قلاب (I) است؛ واژه‌هایی که به یقین مصحح، از همه دست‌نوشته‌ها افتاده است (جهانبخش، ۱۳۷۸: ۶۲). پیداست که در این‌گونه موارد، مصحح نباید گشاده‌دستی کند و به گمان خود میدان دهد و تا به یقینی موجّه نرسد، به افزودن قلاب روی نیاورد. بر این بنیاد، مصححان عبهرالعاشقین نیز گاه از این شیوه بهره گرفته‌اند و برای ابهام‌زدایی و روشن یا کامل شدن عبارت، واژه‌هایی را میان قلاب به متن افزوده‌اند که در هیچ نسخه‌ای نیامده است و درنگ در متن نشان می‌دهد که به آنها نیازی نیست، همچنین در یک مورد نیز بخشی را بدون قراردادن در قلاب، به متن اضافه کرده‌اند؛ نمونه‌ها:

متن چاپی	افزوده مصححان	متن صحیح و جدید
بعد از صحبت محبوب و الفت با وی که یکدم [است] از علاقه حُرقتِ آتشِ شهوتِ نفسِ اماره برهد و این در جهان عقول و نزد شریعت چون بر احکام و امر الهی نباشد (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۵)	«است» که از سوی مصححان افزوده شده است، در دیگر نسخه‌ها نیست و معنی عبارت را که خود دشوار است، دشوارتر می‌کند.	بعد از صحبت محبوب و الفت با وی که یکدم از علاقه حُرقتِ آتشِ شهوتِ نفسِ اماره برهد و این در جهان عقول و نزد شریعت چون بر احکام و اوامر الهی نباشد.
برای آن بود که [محمّد] فرمود صلوات الله و سلامه علیه و علی آله، یوسف را علیه السلام [گفت] که «أعطی شطر الحسن» (همان: ۱۵).	پیداست که با بودن فعل «فرمود» در آغاز عبارت، به فعل «گفت» که از سوی مصححان افزوده شده است، نیازی نیست. همچنین در نسخه‌های D, F, H به جای [محمّد] که افزوده مصححان است «سید ما» وجود دارد.	برای آن بود که سید ما فرمود صلوات الله و سلامه علیه و علی آله، یوسف را علیه السلام که «أعطی شطر الحسن».
روحانیات [را] دیدن به چشم عشق، وسیله حق است، و زیادتِ نور بصر و بصیرت، چون بر احکام شریعت گذرد (همان: ۱۵).	«را» که افزوده مصححان است، در هیچ نسخه‌ای نیست و نیازی هم به افزودن آن نیست.	روحانیات دیدن به چشم عشق، وسیله حق است، و زیادتِ نور بصر و بصیرت، چون بر احکام شریعت گذرد.
جان آن جوان مردانِ آزاده از زحمتِ شهواتِ انسانی در آن دم که از جان به جان نگرستی میرا بود (همان: ۲۹).	«ان» در «جوان مردان» در هیچ نسخه‌ای نیامده است و از آنجاکه اشاره به پیامبر است و مفرد، نیازی بدان نیست.	جان آن جوان مرد آزاده از زحمتِ شهواتِ انسانی در آن دم که از جان به جان نگرستی میرا بود.

آن شاهد نوآمده از ازل بدیدند، بی نزد [او] کعبه‌صفت رکوع کردند (همان: ۳۳).	پیداست که نه تنها به «او» نیازی نیست که به معنی عبارت نیز آسیب زده و زمینه‌ای شده است تا مصححان «کعبه‌صفت» را مرکب بگیرند و از معنی دور شوند.	آن شاهد نوآمده از ازل بدیدند، بی اختیار
---	---	---

۳-۳. خطاهای ناشی از کج‌خوانی مصححان

از زمینه‌های اصلی راه‌یابی خطا به متون تصحیحی، بدخوانی دست‌نوشته‌هاست و این خود پیامد بدخطی، بدنویسی دست‌نوشته‌ها یا کم‌دقتی مصحح است؛ آسیبی که متن چاپی عبر‌العاشقین از آن مصون نمانده و در موارد بسیاری کلمات و عباراتی به چشم می‌خورد که در هیچ‌یک از نسخه‌های مورداستفاده مصححان و نیز دیگر نسخه‌های کتاب نیست و به‌گمان بسیار پیامد لغزش و کژخوانی مصححان است؛ نمونه‌ها:

متن چاپی	نسخه‌ها	عبارت صحیح و تصحیح جدید
اما بهیمی رذال خلق را باشد ... جز از تأثیر هوا نیست، و از میلان نفس اماره تا بدان فتد، تا مهیج شهوات مذمومه شود (همان: ۱۵).	«تا بدان فتد» که عبارت را از معنی انداخته، تصحیف «برای فتنه» تمامی نسخه‌هاست که با بدخوانی به این گونه شگفت درآمده است. (برگه ۱۲ نسخه B)	اما بهیمی رذال خلق را باشد ... آن جز از تأثیر هوا نیست، و آن میلان نفس اماره باشد برای فتنه، تا مهیج شهوات مذمومه شود.
تا به حدی برسد که ضعف حیوانی که عین شهوت فطری است (همان).	«ضعف» که معنی را خراب کرده، در همه نسخه‌ها «صفت» است که از راه بدخوانی به «ضعف» تصحیف شده است.	تا به حدی برسد صفت حیوانی که عین شهوت فطری است.
بعد از صحبت محبوب و الفت با وی که یکدم [است] از علاقه خرقه آتش شهوت نفس اماره برهد (همان).	«برهد» تصحیف «بیزهد» دیگر نسخه‌هاست که معنی درست‌تری نیز دارد.	بعد از صحبت محبوب و الفت با وی که یکدم از علاقه خرقه آتش شهوت نفس اماره بیزهد.
عشق جز فعل باری سبحانه و تعالی نیست و اجسادی نیست (همان: ۱۷).	«اجسادی» که معنی عبارت را تغییر داده، تصحیف «اختیاری» دیگر نسخه‌هاست که در (B) بی‌نقطه آمده و در چاپی با بدخوانی «اجسادی» شده است.	عشق جز فعل باری سبحانه و تعالی نیست و اختیاری نیست.

	<p style="text-align: center;">واخار نیست</p> <p style="text-align: center;">(برگه ۱۴ نسخه B)</p>	
<p>چون صبیغ عشق که محبتِ خاص است، حق را صفت آمد...</p>	<p>«منبع» در همه نسخه‌ها «صیغ» است که با بدخوانی به «منبع تصحیف شده‌است.</p>	<p>چون منبع عشق که محبتِ خاص است، حق را صفت آمد... (همان: ۲۱).</p>
<p>اما حدیثِ کتمان از اشارت سید عاشقان (ص) تقویتِ احتراقِ جان است.</p>	<p>«تسویت» در همه نسخه‌ها «تقویت» است که با بدخوانی به «تسویت» تصحیف شده.</p>	<p>اما حدیثِ کتمان از اشارت سید عاشقان (ص) تسویتِ احتراقِ جان است (همان: ۲۵)</p>
<p>چون به تعفّف در امتحانِ عشق از مهلکه طبیعت رست.</p>	<p>«است» پایان عبارت که معنی را نیز خراب کرده، در همه نسخه‌ها «رست» است.</p>	<p>چون تعفّف در امتحانِ عشق از مهلکه طبیعت است (همان: ۲۵).</p>
<p>اگر دیده‌وری بنگر، که به روی آن لعبتِ چینی چون بر می‌آید.</p>	<p>«چنین» در مابقی نسخه‌ها «لعبت چین»، «چینی» است که نخست در (B) با افتادگی و بدخوانی «حنین» گشته و سپس حنین در چاپی «چنین» شده است.</p> <p style="text-align: center;">ان حسین چون بر</p> <p style="text-align: center;">(برگه ۲۸ نسخه B)</p>	<p>اگر دیده‌وری بنگر، که به روی آن چنین چون بر می‌آید (همان: ۲۵).</p>
<p>در میدان وصال او روحم را با جُندِ عشق مبارزت‌هاست.</p>	<p>«چند» در همه نسخه‌ها «جُند» است که با بدخوانی یا خطای چاپی «چند» شده است.</p>	<p>در میدان وصال او روحم را با چند عشق مبارزت‌هاست (همان: ۲۶).</p>
<p>جمالِ یوسف، تهمتِ التباس از راه «هَذَا رَبِّي» خلیل ... برداشت.</p>	<p>«به همت» که معنی عبارت را آسیب زده، بدخوانی و تصحیف «تهمت» است که در همه نسخه‌های دیگر آمده است.</p>	<p>جمالِ یوسف، به همتِ التباس از راه «هَذَا رَبِّي» خلیل برداشت (همان: ۲۸).</p>
<p>و حسنِ او، او را معجزات و آیات آمد، چون در آیتش نشانه جمال حق بود.</p>	<p>«خود را تابش» از نمونه‌های شگفت تصحیف است و درست آن «چون در آیتش» دیگر نسخه‌ها، که نخست در (B) با بی‌دقتی در نقطه‌گذاری و حذف فاصله‌های میانین به گونه «چودرایاتش» بدنویسی شده و سپس همین بدنویسی با بدخوانی در چاپی «خود را تابش» شده است.</p>	<p>و حسنِ او، او را معجزات و آیات آمد، خود را تابش نشانه جمال بود (همان: ۲۸).</p>
<p>جان آن جوان مردِ آزاده از زحمتِ شهواتِ انسانی در آن دم که از جان به جان نگرستی میرا بود.</p>	<p>«ذریه آدم» که معنی را آسیب زده، تصحیف «در آن دم» دیگر نسخه‌هاست که با بدخوانی در (B) «دَر آدم» و در چاپی «ذریه آدم» شده است.</p>	<p>جان آن جوان مردان آزاده از زحمتِ شهواتِ انسانی ذریه آدم که از جان به جان نگرستی میرا بود (همان: ۲۹).</p>

از بدایتِ فطرت، حُسن برگزید شاهدانِ حق، و با معدنِ اصلی برند (همان: ۳۰).	«برگزید» که معنی عبارت را آسیب زده، حاصل بدخوانی و تصحیف «برگیرند» است که در نسخه‌ها آمده است.	از بدایتِ فطرت، حُسن برگزید شاهدانِ حق، و با معدنِ اصلی برند (همان: ۳۰).
چون جان عاشقان به حسنِ قدم، در این حسنِ عاریت می‌کند (همان: ۳۱).	«عاریت» در همهٔ نسخه‌ها «غارت» است که با بدخوانی به «عاریت» تصحیف شده و معنی عبارت را آسیب زده است.	چون جان عاشقان به حسنِ قدم، در این حسنِ عاریت می‌کند (همان: ۳۱).
یقینی که شیر مرغ‌زارِ عقل و سناد کوه‌سارِ فضل علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات، از مادگی عشق هرچه تازه آمدی (همان: ۳۴).	از نمونه‌های شگفت و کمیاب تصحیف است که در یک عبارت با بدخوانی «تبینی» به «یقینی»، «صیاد» به «سناد» ^۴ و «تازگی» به «مادگی» تحریف شده و عبارت را سخت آسیب زده است.	یقینی که شیر مرغ‌زارِ عقل و سناد کوه‌سارِ فضل علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات، از مادگی عشق هرچه تازه آمدی (همان: ۳۴).
امتنانِ دل از تأثیرِ عشق به روی معشوق در دل پدید آید (همان: ۴۱).	«امتنان» که معنی را خراب کرده، در دیگر نسخه‌ها «افتنان» است که نخست در (B) به «امتیان» تصحیف شده و «امتیان» در چاپی «امتنان» شده است.	امتنانِ دل از تأثیرِ عشق به روی معشوق در دل پدید آید (همان: ۴۱).

۳-۴. خطاهای برآمده از نسخه‌های مغلوپ‌مورد استفاده

در متن چاپی کتاب، خطاهای بسیاری نیز هست که خاستگاه آنها نسخه‌های مورد استفاده مصححان و در اختیار نداشتن نسخه‌های دیگری است که اینک در دسترس است و به یاری آنها می‌توان آن خطاها را تصحیح کرد. اینک نمونه‌هایی از این‌گونه خطاها را که بیشتر از راه نسخه (B) به متن چاپی راه یافته‌اند، در جدول زیر می‌آوریم:

متن چاپی	نسخه بدل	تصحیح تازه
من بدانستم که آن نادره چه بود و آن که بود (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۵).	در این عبارت کوتاه چند تصحیف روی داده، بدتر از همه «ندانم» است که در (B) و چاپی به «بدانستم» دگرگون شده و معنی عبارت را تغییر داده است.	ندانم که آن خود چه نادره بود و آن که بود. «آن نادره چه بود» نیز به صورت «آن خود چه نادره بود» بر اساس مابقی نسخ به جز B تصحیح شد.
مرا گفت: «به دیدهٔ انسانی در عالم انسانی نگر». چشم دل در چشم صورت آمد، چینی لعبتی دیدم که به حسن و جمال جهانیان را در عشق، عشوهِ می‌داد (همان: ۶).	همهٔ نسخه‌ها جز (B) که هم چینی و هم جتی می‌توان خواند: «چینی» است و همین درست است و از موتیف‌های عبهر/عاشقین است.	مرا گفت: «به دیدهٔ انسانی در عالم انسانی نگر». چشم دل در چشم صورت آمد، چینی لعبتی دیدم که به حسن و جمال جهانیان را در عشق، عشوهِ می‌داد.

<p>در خوش‌دلی <u>سرا گشود</u> و غرچه‌عشق دید (همان: ۸).</p>	<p>«سرا گشود» در همه نسخه‌ها «مرا گرد» است که نخست در (B) با بدخوانی شگفتی «سراکنود» شده و سپس در چاپی «سرا گشود».</p>  <p>(نسخه B: برگه ۶)</p>	<p>در خوش‌دلی <u>سرا گشود</u> و غرچه‌عشق دید (همان: ۸).</p>
<p>گفت: عشقم در راه شما <u>مگر</u> و خطاست.</p>	<p>«مگر» که معنی سخن را دگرگون کرده، تصحیف «مکر و» است که در (B) «مکر» و در (A) «مگر» شده و از آنجا به چاپی راه یافته است.</p>	<p>گفت: عشقم در راه شما <u>مگر</u> خطاست؟ (همان).</p>
<p>اعلم ایها السائل فی العشق، که عشق را <u>مقدمات</u> است، بدایت عشق ارادت است.</p>	<p>«مقدمات» که با معنی عبارت نیز نمی‌خواند، در دیگر نسخه‌ها «مقامات» است که نخست در (B) و سپس در چاپی به «مقدمات» تبدیل شده است.</p>	<p>اعلم ایها السائل فی العشق، که عشق را <u>مقدمات</u> است، بدایت عشق ارادت است (همان: ۱۵).</p>
<p>حق سبحانه و تعالی نخست نیکوان را برگزید پیش از نیکویی، و آن‌گه نیکویی داد، <u>قاعده محبت</u> از حق، خلعت حق آمد، اعنی الحسن.</p>	<p>«قد اعده محبه» تصحیف «قاعده محبت» دیگر نسخه‌هاست که در (B) با بدخوانی به این گونه شگفت درآمده و از آنجا به چاپی راه یافته است.</p>	<p>حق سبحانه و تعالی نخست نیکوان را برگزید پیش از نیکویی، و آن‌گه نیکویی داد - <u>قد اعده محبه</u> - از حق، خلعت خلق را آمد، اعنی الحسن (همان: ۱۹).</p>
<p>در حقایق اسباب هیچ <u>سببی</u> عزیزتر از محبت انسانی و وجدان محبت روحانی نیست.</p>	<p>«شیئی» در دیگر نسخه‌ها «سببی» است که با بدخوانی در (B) به «شیئی» تصحیف شده و از آنجا به چاپی راه یافته است.</p>	<p>در حقایق اسباب هیچ شیئی عزیزتر از محبت انسانی و وجدان محبت روحانی نیست (همان).</p>
<p>لکن غلطی عظیم باشد گر بماند، ور نماند، <u>خطوه خطاست</u> نفس اماره را، که در <u>سوق شهوت</u> نهاده است.</p>	<p>«شوق» در دیگر نسخه‌ها «سوق» است که نخست در (B) و سپس در چاپی «شوق» شده و به معنی عبارت آسیب زده است.</p>	<p>لکن غلطی عظیم باشد گر بماند، ور نماند، <u>خطوه خطاست</u> نفس اماره را، که در <u>شوق شهوت</u> نهاده است (همان: ۱۷).</p>
<p>غواص بحر عبرات شوق و نخاس عرایس عشق، در <u>أسواق</u> مشاهده تجلی و خورشید انوار مشارق تدلی.</p>	<p>«اشواق» تصحیف «اسواق» است که در نسخه‌های دیگر آمده است و معنی بهتری دارد. این تصحیف نیز از (B) به چاپی راه یافته است.</p>	<p>غواص بحر عبرات شوق و نخاس عرایس عشق، در <u>أشواق</u> مشاهده تجلی و خورشید انوار مشارق تدلی (همان: ۲۳).</p>
<p>و باقی شد در آن مؤرد، نعمت <u>اکوان</u> و لذت <u>امکنه</u> و ازمان، اندر</p>	<p>در این عبارت کوتاه سه تصحیف از راه (B) به چاپی راه یافته است:</p>	<p>و باقی شد در آن مؤرد، نعمت <u>الوان</u> و لذت <u>زمان</u> و <u>مکان</u>، اندر</p>

آن ذوق، اسپری گشت.	تصحیف «اکوان» به «الوان»، «امکنه و ازمان» به «زمان و مکان»، «اسپری» به «اسیر».	ذوق، اسپری گشت (همان).
تا به آتش عشق، نیک نیک بسوزد، تف آتش عشق بنشیند.	«بسوزد» در نسخه‌های دیگر «بنسوزد» است که در (B) و چاپی تحریف شده است.	تا به آتش عشق، نیک نیک بسوزد، تف آتش عشق بنشیند (همان: ۲۵).
چون در آمد در این عالم خاک، تخم اتحاد در اصلاب نیکوان پاشید، تا از ارحام امهات، یوسفان مشارق و مغارب از پرگارخانه قدرت در این جهان درآمدند.	«بدین عالم، خاک آنجا» که معنی عبارت را آسیب زده، در دیگر نسخه‌ها «در این عالم خاک، تخم اتحاد» است که در (B) و سپس چاپی بدین‌گونه شگفت تصحیف شده است.	چون در آمد بدین عالم، خاک آنجا در اصلاب نیکوان پاشید، تا از ارحام امهات، یوسفان مشارق و مغارب از پرگارخانه قدرت در این جهان درآمدند (همان: ۳۱).
آن مَصُوغ را در تربیت، صبغ قدرت داد، و به حلیه صفات، او را بیاراست.	«موضع» در همه نسخه‌ها «مصوغ» است که معنی بهتری دارد و با بدخوانی در (B) و سپس چاپی چنین شده است.	آن موضع را در تربیت، صبغ قدرت داد، و به حلیه صفات، او را بیاراست (همان: ۳۳).
در شمع فطرت و آئینه قدرت آدم صلوات الله علیه به چشم جان، نقش جانان دید.	«سمع» که در این عبارت معنی درستی ندارد، تصحیف «شمع» است که با بدخوانی در (B) «سمع» شده و از آنجا به چاپی راه یافته است.	در سمع فطرت و آئینه قدرت آدم صلوات الله علیه به چشم جان، نقش جانان دید (همان).
در این جهان عاشقان را ریحانی است از باغ جمال و جلال احد، در قرب به آن نور، سایه حسن بر مزید است.	«من یزید» تصحیف «مزید» است که از راه (B) به چاپی راه یافته است و زمینه این خطا رواج ترکیب «من یزید»، در جاهای دیگر است.	در این جهان عاشقان را ریحانی است از باغ جمال و جلال احد، در قرب به آن نور، سایه حسن بر من یزید است (همان: ۳۴).
هر که را وجود لطیف‌تر و جسم رقیق‌تر و جان شریف‌تر، در هیکل او از جوهر او نور آن معدن ظاهرتر.	«از جواهر نورانی» تصحیف «از جوهر او نور آن» نسخه‌های دیگر است که در (B) و سپس در چاپی چنین تصحیف شده است.	هر که را وجود لطیف‌تر و جسم رقیق‌تر و جان شریف‌تر، در هیکل او از جواهر نورانی معدن ظاهرتر (همان).
به سرعت آن را ببوسیدی و بر چشم نهادی. بوسیدنش مباشرت روح با فعل قدیم از شهود عشق آمد، بر دیده نهادنش خواستن قرب قرب آمد.	«شهوت» تصحیف «شهود» دیگر نسخه‌هاست که از (B) به چاپی راه یافته است.	به سرعت آن را ببوسیدی و بر چشم نهادی. بوسیدنش مباشرت روح با فعل قدیم از شهوت عشق آمد، بر دیده نهادنش خواستن قرب قرب آمد (همان).
بیان کند مرغان را که در کون حق به صفات	جز افتادگی «چون» پس از «کون»، «مرغان» تصحیف شگفت «مر	بیان کند مرغان را که در آئینه کون حق به صفات عظمت و نور

عزت ذات تجلی کند (همان): عاشقان» است که از راه بدخوانی به (B) و از آنجا به چاپی راه یافته است.	عظمت و نور عزت ذات تجلی کند.
چون نیک محترق شد، استشهد» «استشهاد» تصحیف «استهتار» است که در (B) به «استتار» و در (C) و (H) به «استشهاد» تصحیف شده و از آنها به چاپی راه یافته است.	چون نیک محترق شد، استهتار» پدید آید، و آن غلبه حَبَّ محبوب باشد (همان: ۴۱).

۳-۵. علامت‌گذاری، حرکت‌گذاری و چیدمان نادرست و نامناسب عبارات و پاراگراف‌ها

یکی از بایستگی‌ها و شایستگی‌های تصحیح خوب آراسته و پیراسته این است که «مصححان باید تا اندازه‌ای که ساختار متن بر هم نخورد و تصرفی در صورت و معنای بیانات نویسنده نشود، از نقطه و نشانه‌گذاری امروزی بهره ببرند تا کار قرائت و فهم متن را بر خواننده آسان سازند.» (جهانبخش؛ ۱۳۷۸: ۵۸)، به‌ویژه اگر متن مانند *عبرالعاشقین* به‌خودی‌خود متنی دشوارخوان باشد، ضرورت این کار و نیز دقت در انجام‌دادن درست آن، اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ چیزی که در تصحیح *عبرالعاشقین* چنان‌که باید و شاید رعایت نشده است و مصححان در موارد بسیاری با کاربرد نابه‌جای علائم نگارشی - ویرایشی چون نقطه، ویرگول، کسره اضافه و ... یا با جداسازی عبارات به‌هم‌پیوسته و پیوستن عبارات ازهم‌گسسته و یا نشناختن شعر و به‌صورت نثر در میان عبارات آوردن، بر ابهام و پیچیدگی متن افزوده‌اند؛ برای نمونه در عبارت زیر:

- گفت: «چند گویی، سخن عشق نکته است و نایافته، کام عشق از عشق خفته است» (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: ۸)، ویرگول بعد از «نایافته» نادرست است و صورت درست آن بر اساس مابقی نسخه‌ها، این است: گفت «چند گوئی؟ که سخن عشق نکته‌ای است، و نایافته کام عشق از عشق خفته‌ای است.»

یا در نمونه زیر:

- «چون نیک بدیدم، صفات صفاء جانش صورت بی‌مکان بود، و عین حقیقت، در صورت آدم - علیه السلام - بی نشان بود، جایی که گویمش که شهر خدای جای جان است و جان ندارد. در خوش‌دلی سرا گشود و غرچه عشق دید» (همان: ۸ و ۹). جمله مشخص‌شده، بیتی از حدیقه سنایی است که بدان توجه نشده و به‌صورت نثر و ناقص در میان عبارات آمده و صورت صحیح آن چنین است: «چون نیک بدیدم، صفاء صفو جانش در جان، صورت بی‌مکان بود، و عین حقیقت، در صورت آدم علیه السلام بی نشان. بیت

جای کی گویش که شهر خدای
جای جان است و جان ندارد جای
در خوش دلی مرا گرد و غرچه عشق دید.»
یا این عبارت ناقص و مغلوط:

«تأمل بعین الحق، ان كنت ناظراً الی صنعہ فیها بدایع و فاطر و کن ناظراً بالحق قدرة
قادر» (همان: ۸) که سه مصرع از دو بیت زیر است که افزون بر نقص، به صورت نثر در
آمده است:

تأمل بعین الحق، ان كنت ناظراً الی صفة فیها بدایع فاطر
و لا تعط حظ النفس منها لها بها و کن ناظراً بالحق قدرة قادر

۳-۶. نبود تعلیقات، منبع یابی و فهرست های کارگشا

یکی از بایسته های تصحیح خوب و علمی، تعلیقات و توضیحات مصحح است؛ برای
گره گشایی دشواری های متن و یاری خواننده برای درک و دریافت بهتر و آسان تر،
به ویژه اگر متن مانند *عبر العاشقین*، متنی دشوارخوان و دیریاب باشد و بسیاری از
عبارات آن گنگ و پیچیده و درک آن برای بسیاری از خوانندگان نیازمند چنان تعلیقات
و توضیحاتی باشد. با این همه، مصححان *عبر العاشقین*، از این بایسته پژوهشی چشم
پوشیده اند و تنها به افزودن حاشیه هایی که در حواشی یکی از نسخه ها وجود داشته
است، بسنده کرده و آنها را با عنوان «توضیحاتی از نویسنده ای ناشناس» به پایان متن
افزوده اند؛ هرچند همین حواشی را نیز به صورت کامل نیآورده اند.

بایسته دیگر تصحیح خوب و کارآمد، «مصدریابی یا تخریج» است؛ یعنی به دست دادن
منابع و مآخذ و نشانی مطالب و اقوال و اشعاری که نویسنده از دیگران در کتاب خویش
آورده است. شایسته است مصحح همت گمارد و نشانی این گونه مطالب و اقوال و اشعار
را برای آگاهی و یاری خوانندگان و پژوهشگران بیاورد (جهانبخش؛ ۱۳۷۸: ۶۸)، به ویژه
اینکه یافتن منابع و مآخذ برای بهبود تصحیح متن نیز به کار می آید و مصحح می تواند از
آن منابع برای تصحیح بهتر اقوال و اشعار منقول از آنها بهره گیرد، به ویژه اگر از آن
منابع تصحیح های خوبی در دسترس باشد. این بایسته را نیز مصححان *عبر العاشقین*
نادیده گرفته و برای یافتن نشانی و منابع اقوال و اشعار منقول در کتاب کاری نکرده اند؛
برای نمونه از ۷۸ بیت فارسی که در *عبر العاشقین* آمده است، ۳۱ بیت از حدیقه سنایی
و شش بیت از دیوان اوست، یک مصرع از وی نیز در میان عبارتی به نثر آمده است،
یک رباعی نیز از خیام یا باباافضل آورده شده که نشانی هیچ کدام داده نشده است.

از دیگر بایسته‌های تصحیح خوب و علمی، افزودن فهرست‌های گوناگون کارگشا برای بهره‌مندی بهتر و بیشتر و آسان‌تر خوانندگان و به‌ویژه پژوهشگران از متن است؛ فهرست‌هایی مانند فهرست آیات، احادیث، اقوال بزرگان، اشعار عربی، اشعار فارسی، امثال، کنایات، اصطلاحات علمی و عرفانی و فلسفی و ... ، نام‌ها (اشخاص، جای‌ها، کتاب‌ها و ...)، واژگان، ترکیبات و ... می‌تواند به کارآمدی تصحیح کمک کند که از این همه، مصححان تنها به دو فهرست کلی با عنوان «فهرست آیات و احادیث و اقوال بزرگان و اشعار عربی» و «فهرست نام‌ها و لغات و اصطلاحات» بسنده کرده‌اند که هرچند نسبت به روزگار آنان کاری ستودنی است، از نگاه شیوه‌های فهرست‌افزایی امروزی بسنده نیست و کتاب به فهرست‌های بیشتر و جزئی‌تری نیازمند است.

۴. نتیجه

عبرالعاشقین نوشته روزبهان بقلی شیرازی، یکی از نخستین کتاب‌ها درباره عشق صوفیانه به زبان فارسی و از آثار برجسته قرن ششم است که از نظر میراث عرفانی و نیز نثر فارسی جایگاه بلندی دارد. این کتاب به دلیل ذهن و زبان پیچیده روزبهان و بهره‌گیری از عبارات استعاری و انتزاعی بسیار، یکی از پیچیده‌ترین و دیرپادترین آثار منثور زبان فارسی است. از آنچه گذشت، آشکار شد که تصحیح‌های این کتاب، به‌ویژه تصحیح کربن و معین، با همه تلاش‌های ستودنی مصححان، به‌هیچ‌روی، شایسته این اثر برجسته نیست و به دلیل پیچیدگی متن، ناقص و مغلوطن بودن نسخ مورد استفاده و در دسترس نبودن نسخه‌های بهتر و درست‌تر، پر از ایرادهای گوناگونی چون افتادگی‌های بسیار گاه چندسطری، افزوده‌های ناب‌جا، کژخوانی‌های فراوان و خطاهای بسیار نسخ مورد استفاده است که به متن تصحیح‌شده نیز راه یافته‌اند. این اشکال‌های فراوان که برخی از آنها به پژوهش‌هایی که بر بنیاد این متن انجام گرفته‌اند، نیز راه یافته است، از یک‌سو؛ و نبود تعلیقات و توضیحات برای ابهام‌زدایی دشواری‌های متن، به‌دست‌ندادن منابع و مآخذ اقوال و اشعار متن، نبود فهرست‌های گوناگون کارگشا که همه از بایسته‌های تصحیح خوب و علمی‌اند، از سوی دیگر، ضرورت تصحیح تازه‌ای از این متن مهم را آشکارا نشان می‌دهد، به‌ویژه اینکه امروزه نسخه‌های بسیار بهتری از این متن به دست آمده است که به یاری آنها می‌توان بسیاری از خطاهای یادشده را اصلاح و این متن مهم را به گونه‌ی شایسته‌تری تصحیح کرد.

پی‌نوشت

۱. برای نمونه، هاشم بناپور در یادداشتی با عنوان «چند نکته در تصحیح هانری کربن از شرح شطحیات» (۱۳۸۸)، محمدعلی آتش‌سودا و محمدرضا اکرمی در مقاله‌ای با عنوان «تصحیح قیاسی برخی از عبارات دشوار شرح شطحیات» (۱۳۹۱) و مریم حسینی و الهام راستاد در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نسخه‌های خطی شرح شطحیات و ضرورت تصحیح دوباره آن» (۱۳۹۲) بسیاری از اشکالات تصحیح شرح شطحیات را متذکر شده‌اند و الهام راستاد به راهنمایی تقی پورنامداریان رساله دکتری خود را با عنوان تصحیح مجدد شرح شطحیات روزبهان بقلی (۱۳۹۲) در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌انجام رسانده است.
۲. این مقاله بخشی از تصحیحی جدید از *عبر‌العاشقین* در قالب رساله دکتری است که به‌زودی منتشر خواهد شد و طبق اطلاعی که از طریق داور محترم مقاله حاصل شد، تصحیح دیگری نیز از این اثر در دانشگاه اصفهان صورت گرفته است.
۳. بنا به نوشته خود هانری کربن نسخه ایاصوفیه، نسخه پُرخطایی است: «با کمال تأسف کسی که از این کتاب نسخه‌برداری کرده، زبان فارسی را خوب نمی‌دانسته و لذا آنچه را می‌دید نوشته‌است. ... خطاهای فاحشی که ضمن نسخه‌برداری مرتکب شده، غفلت‌ها و تکرار مکررات، باعث شده‌اند که املاهای فارسی روزبهان که خود در وهله اول ساده نیست نامفهوم گردد» (۱۳۸۶: ۱۵۶).
۴. در نسخه مورد استفاده مصححان «صیاد» بدون نقطه بوده و مصححان نتوانسته‌اند حدس مناسبی داشته باشند و بنا به پیشنهاد جعفر شهیدی به «سناد به معنی کرگدن» تصحیح کرده‌اند (بقلی شیرازی، ۱۳۶۶: پاورقی ص ۳۴).

منابع

- ارنست، کارل (۱۳۷۷)، *روزبهان بقلی*، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران، مرکز.
- بقلی شیرازی، روزبهان (۱۳۶۶)، *عبر‌العاشقین*، تصحیح هانری کربن و محمد معین، چاپ سوم، تهران، منوچهری.
- _____ (۱۳۸۰)، *عبر‌العاشقین*، تصحیح جواد نوربخش، تهران، یلدا قلم.
- _____، *عبر‌العاشقین*، نسخه خطی، دانشگاه تهران، ش ۳۷۴.
- _____، *عبر‌العاشقین*، نسخه خطی، دانشگاه تهران، ش ۴۰۹۷.
- _____، *عبر‌العاشقین*، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ش ۳/۲۸۷۱.
- _____، *عبر‌العاشقین*، نسخه خطی، کتابخانه و موزه ملی ملک، ش ۴/۳۹۷۱.
- _____، *عبر‌العاشقین*، نسخه خطی، موزه عزت کیونگلووی قونیه به شماره ۱۳۳۵.
- _____، *عبر‌العاشقین*، رسائل فلسفی ابن سینا، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ش ۱۴۲۸۰، به شماره بایگانی ۸۹۴۹۶.

بیات، محمد حسین (۱۳۷۸)، «نگاهی به چهار رساله از روزبهان» کتاب ماه دین، مرداد و شهریور ۱۳۷۸
ش ۲۲-۲۳، ۳۹-۴۱.

جهانبخش، جويا (۱۳۷۸)، *راهنمای تصحیح متون*، تهران، میراث مکتوب.

حسینی، سیده مریم (۱۳۸۳)، «از غزنه تا شیراز»، *علوم انسانی*، سال سیزدهم و چهاردهم، ش ۴۸ و
۴۹، زمستان ۱۳۸۲ و بهار ۱۳۸۳، دانشگاه الزهراء، ۴۱-۶۰.

درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، *فهرستواره دست‌نوشت‌های ایران (دنا)*، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
مجلس.

کرین، هانری (۱۳۸۶)، *نرگس عاشقان*، ترجمه محمدعلی اخوان، تهران، اخوان خراسانی.

مایل هروی، نجیب (۱۳۷۹)، *تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*، تهران، کتابخانه،
موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.